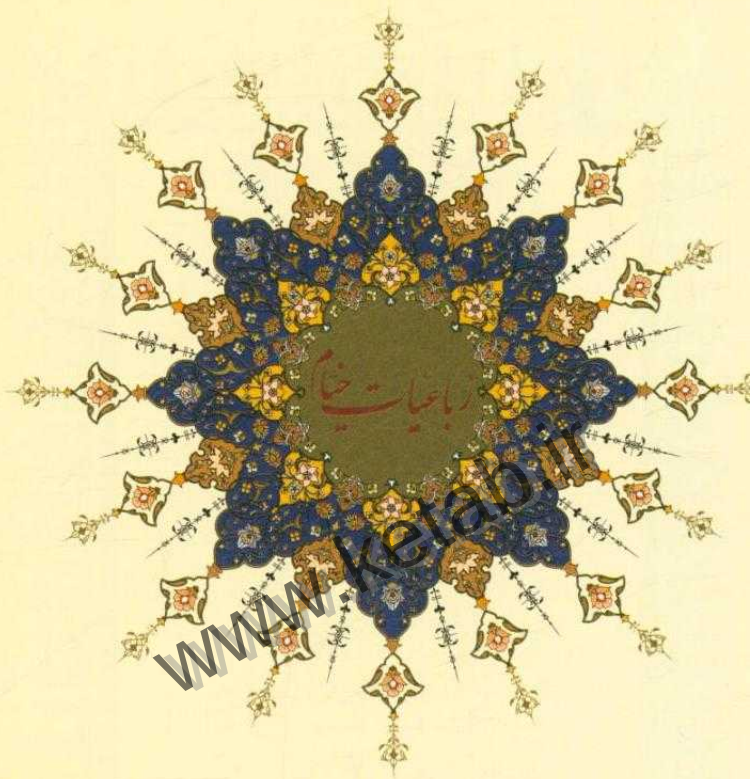




فارسى - انگلیسی - فرانسہ - آلمانی - عربی
 ترجمہ انگلیسی : ادوارد وینسٹیبرجر ایلد
 خوشنویس : رضا نوریان



سرشناسنامه : خیام، عسبر علی، ۱۳۳۰-۱۳۵۱۷ ق.

عنوان مترادادی : رباعیات، فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، عربی

مستوان نام پدیدآور : رباعیات خیام، رحیم، عسبر خیام، ترجمه منتزه اله، خرد رضا، غفریان،

شخصات نشر : تهران، پارس، ۱۴۰۰.

شخصات ظاهری : [۱۳۵] [۱۳۵] من صور (رنگی) ۱۲، ۱۷، ۱۸ م.

978-600-6027-58-6 :

موضوع : شاعری، فارسی، سبک، خیام

موضوع : شعر فارسی، سبک، خیام

موضوع : شعر فارسی، سبک، خیام، ترجمه منتزه اله

شناسنامه اقرویه : منتزه اله، ادوارو، ۱۸۰۹-۱۸۸۳ م، مترجم

غفریان، رضا، ۱۳۵۹، خوشنویس

شناسنامه اقرویه : Monteil, Vincent

روده بندی کنسکره : ج ۸۱۳۸۹ الف ۸۸ م / PIR ۴۶۲۵

روده بندی دیوانی : ۸۹/۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۰۳۱۴۰

رباعیات خیام

ناشر	:	انتشارات پارس
مقدمه	:	محمد حسن نوبی
خوشنویسی	:	رضا نظریان
مینیاتور	:	رضا بهرامی
ترجمه و تفسیر	:	ادوارد فیتزجرالد
ترجمه آلمانی	:	لئوپولد
تصاویر	:	وینسنت
سبک و طراحی	:	تحت جمیع
چاپ	:	چاپ
صفحات و قاب سازی	:	صفحات و قاب سازی
شمارگان	:	۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ	:	سوم ۱۴۰۳
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۷-۵۸-۶

خانمان کارگر جنوبی، مامن تر از میدان خر، کوه حاتمی ملاک ۲۷



9786006027586



انتشارات پارس

رباعیات خیام

۲۲۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱۸. چون غمت شوم بیاده شویده مرا
۱۹. گرمی غمخیزی غمت من ستان را
۲۰. بر حسنر شبایار صبر دل را
۲۱. آمد حسری نه دار میندان را
۲۲. چند آنچیزم شراب کای غمی شربت
۲۳. دارنده غمخیز کیش طایع آراست
۲۴. ز دوان چو گل خود طبع آراست
۲۵. می و دکنش در علم و کتاب آراست
۲۶. غیامت غمت بیدار آراست
۲۷. یکی بیدی که دشت و دشت آراست
۲۸. زان باده که سر را حیات گزراست
۲۹. از منزل غم تا بدین یک نفس آراست
۳۰. کوفتیک است با غم خوش آراست
۳۱. اینک ز باور که عالم نام آراست
۳۲. که دوزخ کمره زده فرموده آراست
۳۳. بر سینه که بر کنایه غمی زبسته است
۳۴. این که زده خمر عاشق زاری بوده است
۳۵. در حروشی که لاله زاری بوده است
۳۶. پیش ازین که دوان غار کجاده است
۳۷. ساقی گل بس زوس طربناک شده است
۳۸. اکنون که جهان باده غمی ترسته است
۳۹. ای چرخ منکشفی ای که ترسته است
۴۰. کوفتید مرا که دوزخی باشد است
۴۱. غم آنم غم بنی غم نه دوزخ است
۴۲. بر تو ز سپهر خاظم رو زلفت است
۴۳. غم لاله زور دوزخ کجاست است
۴۴. دل سرخیاست اگر کاهی دشت است
۴۵. می دل غیبت و دشت و دشت است
۴۶. زینب پیاده دشت و دشت است
۴۷. ابر آمد و باز بر سر سینه دشت است
۴۸. این یک دوسه روز غمت مگر دشت است
۴۹. عتاب بنور دامن شب شکافت است
۵۰. می غم که بر زوگل غم خوش است
۵۱. آن قصر که مشید دوا جام گرفت است
۵۲. دیبا که از رخ حب را خواجی گرفت است
۵۳. در خواب بدم مرا خرمندی گرفت است
۵۴. این صبر و خود آمد و بنی دشت است
۵۵. چون صبر بر رسد چه بنده دشت است
۵۶. می غم که ز دل غمت قفس بدشت است
۵۷. این غمت افروغ صبر می کند دشت است
۵۸. روزی است غم شمع بر اگر گرم است دشت است
۵۹. غم خود او دل بود مرا است دشت است
۶۰. امشب بی جام یک غمی غم گرفت است
۶۱. بر صبح که روزی لاله شکست دشت است
۶۲. حسرت ز دل من علم محروم دشت است
۶۳. افروغ که سر باده کشت دشت است
۶۴. افروغ که سر باده کشت دشت است
۶۵. آمان که غم غمت دشت است
۶۶. آمان که غم غمت دشت است
۶۷. آمان که غم غمت دشت است
۶۸. آمان که غم غمت دشت است
۶۹. آمان که غم غمت دشت است
۷۰. آمان که غم غمت دشت است
۷۱. آمان که غم غمت دشت است
۷۲. آمان که غم غمت دشت است
۷۳. آمان که غم غمت دشت است
۷۴. آمان که غم غمت دشت است

فهرست

۷۵. خورشید کند صبح زیبارام مسکند
۷۶. برین قمر صف پوئی من رانند
۷۷. ای بس که نباشم و حسان خوابد
۷۸. گویند بهر شکسته خوابد بود
۷۹. خشیام اگر چه ز که چرخ بگوید
۸۰. من نمی دم و من که چون گل بل بود
۸۱. آن که گفت فل غم من کند بود
۸۲. با آن که شکر است و ماه باریک
۸۳. لیوان خوب است و کاس بد است
۸۴. دلی که زده کریمه بدیدم ز باران
۸۵. در دایره کاسه هر ناپسند افروز
۸۶. ایل همه اسباب صافی است
۸۷. ناست بجانم و کفایت نعت باز
۸۸. نعت بک زه زده ام از نعت باز
۸۹. اعیان چشمت بجانم است بجانم
۹۰. باز نیامده زده ام از نعت باز
۹۱. با تو چه است ای که گویم در آن
۹۲. وقت مراست تیرا نیست بایان
۹۳. یارب چه حساب آن که بجز نیست
۹۴. خشیام اگر زاده است قش بش
۹۵. جامی است که مثل آفرین می رانند
۹۶. در کار که زده کریمه زخم دوش
۹۷. نرسد بهر شکسته زده کریمه دوش
۹۸. از جرم گل سیاه مانا فوج رسل
۹۹. با شرفه یکه تازه تر از حشر من گل
۱۰۰. گل شکسته دست زده است از درام
۱۰۱. من خامه یقینی و یسته دلم
۱۰۲. من بی سبب است و نیست تو انم
۱۰۳. یکه شکر است و کاس بد است
۱۰۴. یک شکر است و کاس بد است
۱۰۵. ای دوست بیایا نغمه زده است
۱۰۶. چون نیست مقام ما در این بر مستم
۱۰۷. صبح است و بیایه من که نیست
۱۰۸. این چرخ کفایت که ما داوریم راست
۱۰۹. که بر کف دست بدی خون بزدان
۱۱۰. برخیز بهر غم و غم حسان که در آن
۱۱۱. از دی که زده است هیچ از او بیا بکن
۱۱۲. اسرار از آن زده است و بیا بکن
۱۱۳. قوی مست کند زده است و بیا بکن
۱۱۴. ای دوست بهر شکسته زده است و بیا بکن
۱۱۵. آن قصه که بر چرخ می زده است و بیا بکن
۱۱۶. تکی مش آن خورم که دارم بیا
۱۱۷. هر روز بر آنم که زده است و بیا بکن
۱۱۸. از دهنس و دهنس بیا بکن
۱۱۹. در کار که زده کریمه زده است و بیا بکن
۱۲۰. بخامه صبح ای صبح من و بیا بکن
۱۲۱. تاده شت است و تاده شت و بیا بکن
۱۲۲. یک شکر است و کاس بد است و بیا بکن
۱۲۳. خوش باش و نغمه زده است و بیا بکن
۱۲۴. بخامه پدیدم و بیا بکن
۱۲۵. از نغمه زده است و بیا بکن
۱۲۶. که زده است و بیا بکن
۱۲۷. در کوشش و کفایت و بیا بکن
۱۲۸. بر کف دست و بیا بکن
۱۲۹. شش بیایه و بیا بکن
۱۳۰. بر کف دست و بیا بکن
۱۳۱. ای دوست بهر شکسته زده است و بیا بکن

شماره نهم

ابوالفتح غفر بن ابراهیم معروف به خیا

شهرت می خیا نام زای و بود که خود باید برش عابد و در خیا م بود و از بزرگ ریغ خرد و دانشمند
شاعران خیا نام ایران است. وی متولد نیشابور بود که سال تولدش را ۴۲۰ هجری قمری نزدیک
نیشابور می دانند. در زمانی که دنیا آمد که ترکان سلجوقی بر خراسان حاکمی یوسف در شرق ایران
تسلط داشت و در آن زمان که خیا متولد شد علم پرداخت نزد عالمانی استادان حبیب الله
از جمله ائمه فقهیه و از علمای آن وقت بود که گفت: چنانکه گفتند:
بسیار جوانی بود که گفتند: در این دنیا که است

خیام در سال ۴۶۱ هجری به قصد عمر تقویت نیشابور را ترک کرد و در آنجا متولد شد.

ابو طاهر عبد الرحمن بن ابی قاضی القضاة عمر تقویت نیشابور را ترک کرد و در آنجا متولد شد.

خیام پس از هجرت به مدت ۱۸ سال در آنجا اقامت گزید و با حمایت ملک شاه سلجوقی و وزیرش

نظام الملک سمرجانی از دانشمندان ریاضی آن زمان معروف به نام خود در رصدخانه ای که به دست ورکات

تأسیس شده بود بدینجا تحقیقات نجومی پرداخت. حاصل این تحقیقات اصلاح تقویم را بر آن زمان تقویم جلالی لقب سلطان ملک شاه سلجوقی بود. بعد از گشته شد نظام الملک پس ملک شاه در میان فرزندان ملک شاه بر سر تصاحب سلطنت اختلاف افتاد.

یہ اس آتشبار دیکر سیاسی نااشی از این امر سائل علمی و فن حشکی کہ قبل از رجعت خاص می خورد و از بود ؟

عدم توجه به اصولی و فلسفی و اخلاقی و ختم را بران داشت که همه انسان را به قصد خزان
ترک کند. وی باقی عمر خویش را در شهرهای نام خراسان و خوارزم و کرمان و پایتخت فرمانروایی
(پسروم ملک شاه) بود و گذرانید.

در آن زمان مردکی از مرام علم و فزنیکی دنیا بشمار می رفت و داشت آن یادی در آن
و بشیر کارهای علی خیم پس از مرگت از سخنان این شهر جاعل خود گرفت .
او بقت حاسر و دنیای او بود و اما لایان باز و دوست الم می شد .
(لذت خود بود و در تعلم محسب داشت)

او حرف شاعری را پیش خود ساخته بود و مداح بزرگان و مجلس آرا می‌شان بود.
او ز باجی سیرانی می‌تبا بود. طبعی توانا و ذوقی سرشار داشت.

ز باجی از شکل‌ترین اقسام شعر است چون مجال سخن در آن تنگ است و شروط و قیود آن بسیار.
ز باجیات و شاعران باجی هستند که هر یکشان به منزلت یک منظوم گزینبار دارد. مدارا شاعری
که در هر یک نامادری روزگار بغیر می‌اناست و باجیاتش در کمال فصاحت و بلاغت شامل
در هر یک از اینها در الفاظ و نحو استوار است.

کسانی که باجیات ختم را بیل بر خرد و استند غافل بوده اند و یا که به سبب بی‌توانی و ایمان نمانی
نیست چه دانی و اردو کسی بر حسب ایمان قلبی با دلایل فنی بوجود می‌ماند در کمال تعین و شکی نیست
و بگویند من از کار دنیا شیرینا و دریم من می‌گفت کار خدا را نیستم.
بلکه از کوه عیب است زیرا اگر خرم بشر از دیانت حکمت کار خدا عاقل نبوده بشنود.
و اگر این را قرار جلیل و انکسار حیرانی گفته است چرخ

بنیبه اکرم منوره

معارف ناک حق معرفت

حق این است که آنکس که این پشمارامی کند و نیندا را ستیرا معلوم می شود به حقیقتی قابل
است که آن را دریافته و می جوید.

آنکه این کتاب را می بیند و نیاید هیچ کس و جریان امور را بر حسب احوال و اتفاق می داند
و می بیند که حق و حقیقت را می بیند و می جوید.

پیشانیان و هم صحران و هم صحران و هم صحران

رودکی ، پورسینا ، حکیم منوره ، ناصر خسرو ، شمس الدین عجمی

اطلاعات راجع به خاتم بشری و یونان و نویسنده عاشر یعنی نظامی عروضی سرقدی و یونان
علی بن ابی طالب است.

اول یعنی احمد بن عمر بن علی سرقدی مشهور به نظامی عروضی نویسنده قرن ششم هجری است

که چنانچه مقاله یا مجسمه النوار را در حدود ۵۵۲ بهشته تحریر کرده و آورده و مخبر سرقدی را در آن کرده است

از سلاطه مندان بیروانی بر شماری فقه در سه مورد از ادنام می بره که این یاد آوری
 بپیش نام و بر می موقع خاص جستجای علمی و بوده است.
 دوم، ابو الحسن علی بن زیدیتی صاحب تبه صوابی که است که مانند نظامی عروضی که
 فیض و محاصره کرده است.

سوم، که در عهده قزوینی از این بن می کند آنکه طبق این اثر در حوادث ۵۱۳ و ۵۱۵ و تاریخ
 سنجیده و در این کتاب نظام الملک طوسی معروف است از سنه ۵۱۱ و ۵۱۵ :
 وزارت سلطان در این کتاب سی سال غیر وفات نمود.

صرف نظر از اینکه واقعه من بعد از ۵۱۱ بوده است نتیجه معلوم می شود که در قزوین تا سال
 ۵۱۱ در قید حیات بوده است. و لذا شاید وفات ۵۰۹ فاقده استبار و از این کتاب.

چهارم مقاله نظامی عروضی

صحیح ترین باختر است که تا حدی بی دلیل این حکیم مشرقیام و احوالی بحث می کند نظامی عروضی
 که چهارم مقاله را بر این اساسی ۵۵۱ و ۵۵۲ تدوین کرد و تاریخ گزارشش بر این قیام بتایخ بتالیف

کتاب نزدیک‌تر است ملاقاتش در شرف.

در حالی که او تاریخ ملاقات با بخت ۵۰۶ یعنی ۶۱ سال قبل از آن ذکر می‌کند چنانکه
تاریخ درگذشتن چنین روزی که به قصد زیارت کورش قدم به ابهام و اوجال چند سال یادآوری

چند سال مندرج در بعضی نسخ چهار مقاله طاقا فاقه اعتبار و ارزش است

و اینستی که یکبار باشد چهار سال هم نمی‌تواند باشد.

او آسانی می‌تواند به عنوان اصلی نباشد بوری که قبر را با او نموده است سلام بجز کند.

تصویری و چهار سال باید چهار سال باشد و چهار سال سابق ۵۲۶ می‌شود چنانچه تاریخ

ولادت را ۴۲۰ فرض کنیم تاریخ وفات همان ۵۱۷

که با این حساب سن چنان‌که اقرب بصواب است ۸۷ سال می‌گردد.

که هر چه سال ۵۲۶ را خسرو بر قوه می‌درد و در تاریخ دیوینج، تاریخ درگذشت، انکاشته و بی‌سال

۵۱۷ را که در جمیع نسخه‌ها، بی‌ایست مذکور است کلیه نویسندگان غربی به عنوان تاریخ قطعی وفات

خیام در نیشابور قبول کرده‌اند.

و بتجیده نویسنده بطور تالیخ مرقوم که متعادل کتبی صحیح ۱۴ سال از ۵۳۰ است تاریخ واقعی وقت
خیام نظم می رسد.

قطعی که تالیخ الحسک را از ۶۲۴ به بعد تالیف کرده و ذکر احوال عمر خیام می نویسد معاصر نرس
زبان به نثر او باز کرده بودند و درباره بن حقیقه دانش سخن می گفتند چنانکه عمر خیام بهشت درآمد
و عنان زبان قلم گرفت به تصدیق از نیش انور خارج شد.

پس خیام به سر آمدن اسرار خویش سر ارمی درازید.

خاطرش در عالمات می گردید.

صادق هدایت بنفش فنی خیام را اینگونه توصیف کرده است:

نزد چشمت از شعرا و نویسندگان اسلام چنین لوحی در بر جسم زدن اساس افشاءهای گوناگون
خیام دیده نمی شود.

در باعیت دوست که نخستین بار توسط «میتز جبالد» به زبان انگلیسی ترجمه و در ترجمه جانین قرار گرفت
و نام او را در رویه چهار شعبه بزرگ جهان بینی «هومر شکسپر» دانسته و گفته «قرارداد».

مقبره خانیام بیرون از شهر نیشابور کفار نام زاده بنت محروق می باشد.

خانیام در وصف خود چنین می سیرد :

چون لال رخ و چو سحر ز روی زیباست مرا

معلوم نشد که در طربستان خان

نقاش زل ببرد چه آراست مرا

۱۰۸



